

پیغام پیغام

* دیدار آشنا:

الآن دقیقاً شما بابت چی از ما ممنون شدید؟ بابت بهم ریختن نظم کلاس؟ یا بابت حرص دادن معلم بینوایتان؟ در هر صورت ما هم از شما خیلی ممنونیم که در این حد ما را تحویل گرفتید.



۲. کمال همکاری

۰۹۱۷-۳۵۰۷

سلام می‌خواستم در مساجد شهرمون اعلامیه بزنم برای مشترک شدن... یک پیشنهاد دارم. می‌تونید در ازای جذب هر ده مشترک، یک اشتراک رایگان، هدیه بدید. اینجوری افراد دیگه هم برای جذب مشترک مجله دیدار آشنا، تشویق می‌شن.

* دیدار آشنا:

حله برادر! شما در ازای هر ده مشترکی که برای مجله دیدار جذب کنید، برنده یک اشتراک رایگان خواهید شد!!! اصلاً یکهو دیدید جوگیر شدیم و آگهی دادیم به صدا و سیما! والا! چی‌مون از این کارخانه‌های پفک نمکی و... کمتره؟! 

۳. ب این مجله مردادماه

کوکو؟

۰۹۱۲-۶۰۵۴

من یک سؤال دارم و دوست دارم جواب قانع‌کننده بگیرم: «این مجله مرداد ماه چی شد پس؟»

* دیدار آشنا:

آفرین! سؤال بسیار خوبی بود! به نکته خیلی ظریفی اشاره کردید! (:

راستش مجله مردادماه دیدار آشنا، کاملاً آماده چاپ بود. اما به دلیل مشکلات عدیده مالی، تصمیم بر آن شد که متأسفانه چاپ نشود.

سه برابر شدن ناگهانی قیمت کاغذ و هزینه‌های چاپ و همچنین دیر رسیدن بودجه مالی ارگان‌های فرهنگی و یارانه کاغذ و... کمر تمام نشریات را دارد خم می‌کند!

با این اوصاف بابت چاپ نشدن آن یک شماره، پاک شرمندۀ ایم.

نامه‌ها

۱. خاطره‌تان را گرفتیم!



سرکار خانم مهدیه حاجی حیدری، طی نامه‌ای، خاطره‌ای را برای ما فرستاده بودند که مرتبط با موضوع تیرماه مجله بوده و از آن‌جا که این نامه متأسفانه در مردادماه به دست ما رسید، از چاپ محتویات آن معذور شدیم. معذور بودن همیشگی ما را که دیگر برایتان عادت شده، عفو بفرمایید!

۲. یا ما را برنده کنید، یا این‌که...



آقا ما این‌جا توی مجله دیدار، داستان‌ها داریم برای خودمان.

جمعی از دوستان عزیزمان از شهرستان خوی برای ما به صورت دسته جمعی پاسخنامه‌هایشان را فرستاده‌اند و اصلاً هم از روی دست هم کپی نکرده‌اند! (خدائیش این یکی متلک نبود. انصافاً کپی نکرده‌اند)

و در نامه‌ای که ضمیمه پاسخنامه‌هایشان است از برنده نشدن‌شان طی شماره‌های گذشته گله‌مند بودند.

باور بفرمایید ما دوست داریم پارتی بازی کنیم و همه شرکت‌کننده‌های عزیز را برنده اعلام کنیم. اما چه کنیم که قرعه‌کشی است و باید امانت‌دار باشیم. ان شاء الله شیرینی برنده شدن‌تان (:

پیامک‌ها

۱. آخ جون بازم تعریف و تمجید!



۰۹۳۵-۸۷۶۵

«مدرس‌هام با خاطره مجله‌تون تموم شد. هر ماه توی کلاس یه مجله بود که تا ته کلاس می‌رفت و جنجال به پا می‌کرد، بعدش دعوی معلم و... اون مجله، دیدار آشنا بود. ازتون ممنونم!»



روی میز تحریریه

۱. نفس‌تان از جای گرم بلند می‌شود!

انصافاً همین است خب! تابلو است که نفس‌تان از کجا بلند می‌شود! نشست‌اید و هی از ما ایراد می‌گیرید که چرا نشریه نیمه دوم ماه به دست‌مان می‌رسد؟! باور بفرمایید باید به ما جایزه نوبل عجایب را بدهند! دقیقاً داریم با بودجه‌ای که فقط پول کاغذمان می‌شود، مجله درمی‌آوریم! بزنیید به افتخار ما اون دست قشنگه رو!

۲. جلوی عقده‌ای شدن را هر وقت بگیرید، دیر نیست!

تیتیری که همینک خواندید مربوط می‌شود به توجیه این که چرا گفتیم «بزنیید به افتخار ما اون دست قشنگه رو...». همین!

۳. پرونده ویژه بعدی

حالا که کمی تأخیرهای اخیرمان را جبران کرده‌ایم، شاید خالی از لطف نباشد که ترک عادت هم بکنیم و موضوع پرونده بعدی را جار بزنیم... «زندگی خوابگاهی». یک آشی پخته‌ایم که یک وجب روغن رویش جیلز ویلیز می‌کند!

۴. بگو ماشالا!

آهان... یادم افتاد. در ادامه همان بحثی که در بند اول «روی میز تحریریه» داشتیم، یادم افتاد این را هم اضافه کنم. دقت کرده‌اید سه شماره پشت سر هم است که داریم مجله را با کاغذ گلاسه فرد اعلی برایتان می‌چاپیم؟! این هم یکی دیگر از دلایلی که باید جایزه نوبل عجایب را به دیدار آشنایی‌ها بدهند!